

## انجیل دیگری نیست درس ۵: موضوع اصلی در غلاطیان درک توماس

مجدداً خوش اومدید. این درس پنجمه و ما در باب سوم غلاطیان ۳: ۱-۱۴ هستیم؛ در بخش اصلی، در مهم‌ترین بخش غلاطیان هستیم. سؤال آیه‌ی دوم، «فقط این را می‌خواهم از شما بفهمم که روح را از اعمال شریعت یافته‌اید یا از خبر ایمان؟» آیا از شریعت یا از ایمان؟

جالبه که پولس این‌طوری درباره‌ی دریافت روح صحبت می‌کنه. او بعداً در غلاطیان اینو درباره‌ی مفاهیم مسیحی شدن و سکونت روح‌القدس در ما و خدمت روح‌القدس در ایمان آوردن، تولد تازه، تقدیس، رشد و فیض ما گسترش می‌ده. اما اینجا هنوز در ابتدای مطالبمون درباره‌ی عادل‌شمردگی به‌وسیله‌ی ایمان هستیم.

ما چطوری رابطه‌ی درستی با خدا خواهیم داشت؟ آیا از طریق اطاعت از شریعت؟ آیا از طریق اعمال شریعت؟ پس باید فقط برای چند دقیقه در اینجا، یه مناظره‌ی بسیار مدرنی رو که واقعاً ادراک انسان‌ها رو درباره‌ی پولس رسول، به‌شکل خوب یا بد تغییر داد، معرفی کنیم؛ به نظر من، به‌شکل بدی تغییر داد، نه خوب.

و اون اصطلاح «اعمال شریعت». این اصطلاح چهار یا پنج مرتبه در نگارشات پولس دیده می‌شه. اصطلاح «اعمال شریعت» چه مفهومی داره؟ برای عده‌ای، در چیزی که گاهی دیدگاه جدید درباره‌ی پولس می‌نامیم، «اعمال شریعت»، یه مرجع بسیار مشخص درباره‌ی چیزیه که می‌تونیم مشخصه‌های ظاهری یهودی بنامیم، همچون ختنه و شریعت غذا، اطاعت آیینی در پیروی از چیزهایی که ضرورتاً ماهیت یهودی دارند؛ و اینکه انجیل درباره‌ی یهودیت نیست، بلکه درباره‌ی شکستن این مرزهاست. پس انجیل درباره‌ی مشارکت غیریهودیان در داخل قلمرو خودش.

تا زمانی که این اجرا می‌شه، کاملاً منصفانه‌اس و انجیل واقعاً غیریهودیان رو دخیل می‌کنه، اما این دیدگاه اعمال شریعت، به این سؤال جواب نمی‌ده، «من چطوری رابطه‌ی درستی با خدا داشته باشم؟» این مشخصه‌های ظاهری، به‌عنوان ابزاری تلقی می‌شدند که به وسیله آنها می‌تونم در نزد خداوند ادعای شایستگی کنم و اعمال شریعت شامل نظر من در مورد اعمالمه و بنابراین به‌نوعی، شایسته‌ی لطف خدا هستم، ماهیت طبیعی همه‌ی ما اینه که فکر کنیم خودمون می‌تونیم اطاعت لازم رو داشته باشیم و تعادل رو برای دریافت لطف برقرار کنیم و مورد تأیید خدا باشیم.

خب، پولس این سؤال رو می‌پرسه، «شما چطوری مسیحی شدید؟» چطوری وارد رابطه‌ی درست با خدا شدید؟ آیا روح رو با اعمال شریعت یافتید؟ آیا روح رو در نتیجه‌ی پیرویتون، اطاعتتون از احکام شریعت یافتید، چه آن اطلاعات از احکام شریعت

اخلاقی باشه و یا مشخصه‌های ظاهری خاص مثل ختنه شدن یا اطاعت از قوانین مربوط به خوراک؟ البته جوابش اینه که «نه». این طوری عادل شمرده نشدیم.» «آیا روح را از اعمال شریعت یافته‌اید یا از خبر ایمان؟» شما پیغام رو شنیدید. انجیل رو شنیدید و ایمان آوردید.

حُب، البته همه‌ی این‌ها در یه زمینه‌ی خیلی خاص از مباحثه‌ی پولس با یهودیان دیگه‌آس، مسیحیان یهودی؛ اما در اصل یهودی و از قوم یهود هستند؛ و البته ابراهیم برای اون‌ها، تصویر پدر ارشد بود. پس در آیات ۶ تا ۹، تا دقایقی دیگه به پنج آیه‌ی اول برمی‌گردیم، اما در آیات ۶ تا ۹، پولس این سؤال رو می‌پرسه، «این روایت، این داستان نجات چطوری شروع می‌شه؟» داستان انجیل از کجا شروع می‌شه؟ آیا با عیسی شروع می‌شه؟ آیا در پنطیکاست شروع می‌شه؟ آیا با پولس رسول شروع می‌شه؟ و جوابش اینه، «نه، البته که نه.»

وقتی پولس در رومیان ۳ و ۴ درباره‌ی عادل‌شمردگی صحبت می‌کنه، به ابراهیم و داود اشاره می‌کنه و آباتی رو از ابراهیم، در پیدایش ۱۲، ۱۵ و ۱۷ برمی‌داره و بعد این کار رو با داود انجام می‌ده و بعضی از مزامیر داود رو برمی‌داره. پس انجیل از عهدعتیق شروع می‌شه. انجیل با پدر ما ابراهیم شروع می‌شه. حالا، به دلایل متعدد، پولس می‌خواد ابراهیم رو وارد این تصویر کنه، چون اون‌ها یهودی هستند، اما به این دلیل هم هست که اون‌ها اصرار دارند که ختنه بشن. ختنه از کجا شروع می‌شه؟ حُب، با ابراهیم شروع می‌شه.

پس بیایید به ابراهیم برگردیم و از خودمون بپرسیم، «ابراهیم چطوری عادل شمرده شد؟» ابراهیم چطوری با انجیل آشنا شد؟ ابراهیم چطوری از نظر خدا عادل محسوب شد؟ پس آیه‌ی ۶، «چنانکه ابراهیم به خدا ایمان آورد و برای او عدالت محسوب شد.» حُب، البته که پولس از پیدایش ۱۵: ۶ نقل قول می‌کنه؛ این یکی از مهم‌ترین آیات برای یهودیان بود و به همین دلیل برای مسیحیان یهودی هم مهم بود. این ابراهیمِ پدره. کسی که در آیه‌ی ۹ بهش اشاره می‌کنه، «مرد ایمان». «پس آگاهید که اهل ایمان فرزندان ابراهیم هستند.»

او الگوی اولیه‌آس. اگه می‌خواید الگوی اولیه‌ی عادل‌شمردگی رو ببینید، به ابراهیم مراجعه کنید. او اینجا از پیدایش ۱۵ آیه‌ی ۶ می‌گه، «به خداوند ایمان آورد، و او، این را برای وی عدالت محسوب کرد؛» و این کلمه در یونانیه. کلمه‌ی محسوب کردن. این در ستونِ افزودنی‌هاست، نه در ستون بدهی‌ها، بلکه در ستون افزودنی‌هاست. عدالت خدا، عدالتی که برای ما لازمه تا به حضور خدا بریم، این عدالتی که اعطا شده، به حساب ما واریز شده. این عدالت ابراهیم نبود. این عدالت نسبت داده شد. این عدالتی بود که به‌طور قانونی و فدرالی محسوب شد.

این زبانِ عادلِ شمردگیه. ابراهیم هنوز یه گناهکاره، اما گناهکاری که عادل شمرده شده. مارتین لوتر اونو «سیمل یوستوس/ت پکاتور» نامید، «هم‌زمان عادل و گناهکار». نه اینکه ابراهیم به لحاظ اخلاقی در خودش و با اطاعتش، به معیار خاصی رسید که تعادل رو به نفع خودش ایجاد کرد.

نه، او هنوز گناهکاره. همون گناهکار بیچاره‌ای که قبلاً بود، اما خدا او رو عادل محسوب کرد و ابراهیم این عدالت رو به وسیله‌ی ایمان، فقط از طریق ایمان به دست آورد. حُب، ابراهیم به چی ایمان داشت؟ حُب، می‌دونید، او ایمان داشت، او ۸۶ سالش بود و همسرش هم پیر شده بود. وعده‌ی یه پسر، یه وارثِ بهش داده شد. بعلاوه، او پدر امت‌های بسیار می‌شد، یه ملت بزرگ. وقتی خدا ازش خواست اسحاق رو روی کوه موریا قربانی کنه، ایمان داشت که خدا او رو از مردگان بلند می‌کنه. او مرد ایمانه. ابراهیم چی داشت؟

ایمان داشت. او ایمان داشت و این برای او عدالت محسوب شد. فقط یه راه برای نجات هست، خواه در غلطیه یا اورشلیم در زمان تیطوس، خواه در انطاکیه به طرف شمال، در لحظه‌ی دوئل بین پولس و پطرس. در زمان داود هم همین‌طور بود. در زمان موسی هم همین‌طور بود. در زمان ابراهیم هم همین‌طوره.

گاهی اوقات ما این سؤال رو می‌پرسیم، این‌طور نیست، «چطوری یه نفر در عهدعتیق نجات می‌یافت؟» و اگه جوابش بلافاصله نیاد، اگه سعی کنید ظرافت عقلانی رو در این لحظه به کار ببرید، در حالِ غرق شدن هستید. این کشتی غرق می‌شه، چون جوابش اینه که، «دقیقاً به همون شکلی که در عهد جدید نجات می‌یابند.» یکی در سایه‌آس. دیگری در نور کامل؛ اما راه نجات، دقیقاً یکسانه، به وسیله‌ی ایمان به وعده‌ی خدا و فقط به وسیله‌ی ایمان به وعده‌ی خداست و بدون اعمال شریعت. به هر حال، وقتی ابراهیم ایمان آورد، ختنه حتی وارد این تصویر نشده بود. ابراهیم پیش از اینکه ختنه بشه، ایمان داشت. پس، با پیروی از ختنه، در نظر خدا عادل شمرده نشد. پیش از اینکه اسحاق رو ختنه کنه، در نظر خدا عادل بود؛ و نکته‌اش همینه. او ازشون حمایت نمی‌کنه.

حُب، اگه به اعمال تکیه کنیم که ما رو نجات بده، چه اتفاقی می‌افته؟ بیایید همه‌چیز رو ۱۸۰ درجه بچرخونیم. اگه برای نجاتمون به اعمال تکیه کنیم، چه اتفاقی می‌افته؟ او در آیات ۱۰ تا ۱۴ در مورد این موضوع صحبت می‌کنه، «زیرا جمیع آنانی که از اعمال شریعت هستند، زیر لعنت می‌باشند.» فقط همین. نیازی نیست با جزئیات زیاد اینو استنتاج کنیم. اگه سعی کنید از شریعت اطاعت کنید، اون برمی‌گرده و به خودتون آسیب می‌زنه.

اطاعت از شریعت، مثل تمساحه، یا چون من در اورلاندو هستم، مثل تمساح آمریکاییه. باهش درگیر نمی‌شید. اگه یکی شون رو در حیاطتون داشته باشید، به داخل خونه می‌رید و در رو می‌بندید و از یه نفر می‌خواید که بیاد و اونو ببره. بیرون نمی‌رید و پس‌مونده‌ی غذاتون رو بهش نمی‌دید. سعی نمی‌کنید سرش رو نوازش کنید، مثل یه سگ یا گربه‌ی خونگی.

این حیوان وحشی، قاتله؛ و شریعت هم همین طوره. اگه سعی کنید مطابق شریعت زندگی کنید، اون برمی‌گردد و خودتون رو لعنت می‌کنه. گناه لایق چیه؟ خُب، نسخه‌ی کوتاه پرسش و پاسخ‌های مسیحی ۸۴ می‌گه، «هر گناهی لایق خشم و لعنت خداست، هم در این دنیا و هم در دنیای آینده.» به کلام پولس نگاه کنید؛ او از کتاب لاویان نقل قول می‌کنه، «جمیع آنانی که بر اعمال شریعت تکیه می‌کنند، زیر لعنت می‌باشند»، آیه‌ی ۱۰، «زیرا مکتوب است: «ملعون است هرکه ثابت نماند در تمام نوشته‌های کتاب شریعت تا آن‌ها را به‌جا آرد.»

می‌بینید، اگه با اطاعت از شریعت، پس باید همه‌اش رو انجام بدید یا هیچ کدومش رو انجام ندید. باید از همه‌ی شریعت اطاعت کنید. باید از کل وسعت شریعت اطاعت کنید و باید از کل گستره و عمق شریعت اطاعت کنید. این یه حیوون وحشیه. شما رو می‌کُشه.

بعد در آیه‌ی ۱۱ از حَبَقُوق نقل قول می‌کنه. «اما واضح است که هیچ کس در حضور خدا از شریعت عادل شمرده نمی‌شود، زیرا که «عادل به ایمان زیست خواهد نمود.» این یه بیانیه‌ی معروف از کتاب حَبَقُوقه و پولس اینجا آژش استفاده می‌کنه و در رومیان ۳ و ۴ هم در صحبت از عادل شمردگی، آژش استفاده می‌کنه، «عادل به ایمان زیست خواهد نمود»، نه فقط در ابتدا، نه فقط روزی که مسیحی می‌شید، بلکه در کل زندگی تون. چطوری بیست سال بعد از ایمان آوردنتون، در بستر مرگتون، در نظر خدا عادل محسوب می‌شید؟ با ایمان. فقط با ایمان به مسیح، بدون اعمال شریعت.

خُب، البته یادتونه که این آیات چقدر برای مارتین لوتر در صومعه‌ی اِرفورت و بعداً در ایتالیا در روم، مهم بود؛ او افسرده بود و خودش رو تحت خشم و لعنت خدا تصور می‌کرد، روی تختش دراز کشیده بود و بارها و بارها موضوع عفو رو در روم مرور می‌کرد؟ کلیسای سنت جان لاتران رو یادتونه؛ پله‌هایی که با زانوهایش بالا می‌رفت و درعین حال، دعای ربانی رو تکرار می‌کرد و هیچ کدوم از این‌ها سودی نداشت؟

او در اطاعت از شریعت، وجدانش آسوده نشد. در واقع، برعکس بود. مسائل بدتر می‌شد، چون متوجه شد که هرچی بیشتر سعی می‌کرد از شریعت اطاعت کنه، کمتر می‌تونست آژش اطاعت کنه و گناهکار بزرگ‌تری می‌شد. هرچی بیشتر شریعت رو مطالعه می‌کرد، بیشتر احکامش رو می‌دید. هرچی بیشتر به فریادتش می‌پرداخت، خودش رو بدتر می‌دید. این بد و بدتر می‌شد.

بعد در آیه‌ی ۱۳ می‌گه، «مسیح، ما را... فدا کرد [بازخرید کرد].» بازخرید، کلمه‌ی خریدن از بردگی هست. «مسیح، ما را از لعنت شریعت فدا کرد چون که در راه ما لعنت شد.» این انجیله. این انجیل جایگزینی هست. او برای ما لعنت شد تا ما عدالت خدا شویم. خدا «او را که گناه شناخت در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم.» دوم قرن‌تیاں ۵. این یه آیه‌ی

شگفت‌انگیزه، «مسیح، ما را از لعنت شریعت فدا کرد چون که در راه ما لعنت شد، چنانکه مکتوب است «ملعون است هر که بر دار آویخته شود.»

حالا این کلمات، لعنت و برکت عهد خدا رو در عهد عتیق منعکس می‌کنند. واقعه‌ی کتاب تشبیه رو در مورد کوه عیبال و کوه جرزیم یادتونه که مردم برکت رو در یه طرف و لعنت رو در طرف دیگه با صدای بلند اعلام می‌کردند. اگه سعی کنید از شریعت اطاعت کنید، فقط این لعنت‌ها رو خواهید شنید. «ملعون است هر که ثابت نماند در تمام نوشته‌های کتاب شریعت تا آن‌ها را به جا آرد.»

عیسی برای ما اطاعت کرد. او از شریعت با تمام جزئیاتش اطاعت کرد. به‌طور کامل از شریعت اطاعت کرد. بی‌گناه، مقدس، بی‌آزار، بی‌لکه، جدا از گناهکاران بود. از لحظه‌ی تولد تا لحظه‌ی مرگش، در هماهنگی کامل با شریعت خدا بود. هرگز اونو زیر پا نگذاشت. هرگز از جلال خدا قاصر نیومد. او تنها کسیه که در کل تاریخ بشریت از شریعت اطاعت کرد.

او پسر خدا بود. واسطه‌ی ما بود. باز خریدکننده‌ی ما بود. کسی که بهای فدیهِ رو پرداخت. بهای فدیهِ چیه؟ «کسی که شریعت رو زیر پا می‌ذاره، باید بمیره.» این اصل در باغِ عدَن وضع شد که اگه شریعت رو زیر پا بذارید، خواهید مُرد. باید از خودتون این سؤال رو بپرسید. چرا عیسی مُرد؟ اگر او هرگز گناه نکرد، چرا مُرد؟ چرا خشم خدا در اینجا نازل شد؟ حالا می‌تونید این‌طوری جواب بدید که هیچ عدالتی در دنیا نیست. می‌تونید مثل عیسی از شریعت اطاعت کنید و خشم خدا همچنان بر شما نازل می‌شه، چون نمی‌شه به خدا اعتماد کرد. او زود عصبانی می‌شه، دقیقاً مثل خدایان یونانی و رومی. یا می‌تونید بگید وقتی خشم خدا بر عیسی نازل شد، او بزرگ‌ترین گناهکاری بود که جهان تا به حال دیده بود.

گناهان ما به حساب او گذاشته شد. گناهان ما به او نسبت داده شد و در این مقطع، به لحاظ قانونی، فدرالی، او بزرگ‌ترین گناهکاری بود که دنیا تا به حال دیده بود و خدا او رو لعنت کرد. «الهی، الهی، چرا مرا واگذاردی؟» او لعنت شد. خدا او رو به خاطر گناهان ما لعنت کرد تا ما با ایمان، عدالتِ خدا در او باشیم.

حُب، بعد پولس یه سؤال دیگه می‌پرسه و این سؤال در واقع آغازگر این بخش بود و من اونو جابه‌جا کردم تا بتونیم به‌طور مثبت خاتمه بدیم، «چرا انجیل رو فراموش می‌کنید؟» توجه کردید که آیه‌ی ۱، باب ۳ چطوری شروع شد، «کیست که شما را افسون کرد؟» «ای غلاطیان بی‌فهم! کیست که شما را افسون کرد؟»

من، جی.بی.فیلیپس رو دوست دارم، این واقعاً یه ترجمه نیست، چیزی بیش از یه ترجمه‌آس؛ اما غلاطیان ۳ آیه‌ی ۱ رو این‌طوری ارائه می‌کنه، «شما بی‌فهمان، یه جادوگر شما رو طلسم کرده!» این زبان خیلی قدرتمنده، «کیست که شما را افسون کرد؟» شما چه مشکلی دارید؟ یادتونه آر.سی در یه کنفرانسی پرسید؟ «مشکل شما چیه؟ چرا این کار رو می‌کنید؟ چرا این سوالات رو می‌پرسید؟ مگه اصول اولیه، ای.بی.سی رو درک نمی‌کنید؟»

حُب، پولس به کلیسای غلطیان می‌گه، «این یهودی‌گرایان، این گروهی که وارد شدند و اقتدار من رو زیر سؤال بردند؛ و حتی اصرار دارند برای عادل شدن در نزد خدا باید از مشخصه‌های ظاهری آئینی اطاعت کنید و با اطاعت از این مشخصه‌های ظاهری آئینی، شایستگی خواهید یافت و خدا به شما لطف خواهد کرد و به شما رحم خواهد کرد.»

این انکار کامل انجیل. این تعلیم من به شما نیست. این موعظه‌ی من به شما نیست. ای بی‌فهمان! یه جادوگر شما رو طلسم کرده! آیا فراموش کردید که عادل‌شمردگی فقط با ایمانه؟ آیا با روح شروع کردید و با جسم تموم می‌کنید؟ آیا قضیه اینه؟ با ایمان شروع می‌کنید و بعد فقط اعماله. با ایمان وارد ملکوت می‌شید، اما با اعمال در ملکوت می‌مونید. آیا این‌طوره؟»

من شنیدم که مسیحیان اینو می‌گن. دوستان عزیزم، اگه این‌طوره، پس ما محکومیم. اگه موندن ما در ملکوت خدا کاملاً به خودمون بستگی داره، ما کاملاً محکومیم. ما هر روز به انجیل نیاز داریم، حتی به‌عنوان نجات‌یافتگان، حتی به‌عنوان کسانی که روح در ما ساکنه. انگیزه‌ی ما برای اطاعت اینه که به‌وسیله‌ی ایمان عادل شمرده شدیم.

هر روز باید به خودمون بگیم، «چیزی در دستم نیست که بیارم.» این ظرافت رو می‌بینید؟ «به روح شروع کرده»، آیه‌ی ۳، «الان به جسم کامل می‌شوید؟» آیا خدا به شما فیض می‌ده که وارد ملکوت بشید تا فقط در رو باز گُنه و شما رو وارد گُنه، اما بقیه‌ی سفر کاملاً به خودتون بستگی داره، کاملاً به اطاعت شما بستگی داره؟

حُب، دوستان، این چطوری انجام می‌شه؟ این برای شما چی کار می‌گُنه؟ آیا می‌دونید این چیه؟ این انجیل می‌گه بیشتر تلاش کن، برای افرادی که بدگمان هستند، برای کسانی که اندوهگین هستند، برای کسانی که محزون‌اند و با پولس رسول متوجه می‌شن که، «آن نیکویی را که می‌خواهم نمی‌کنم، بلکه بدی را که نمی‌خواهم می‌کنم. وای بر من که مرد شقی‌ای هستم! کیست که مرا از جسم این موت رهایی بخشد؟»

جوابش اینه که البته عیسی تو رو رهایی خواهد داد و فقط عیسی رهایی خواهد داد. انجیل فیض، تو رو رهایی خواهد داد. عادل‌شمردگی به‌وسیله‌ی ایمان، تو رو رهایی خواهد داد. می‌بینید، پولس با انجیلی رویارو می‌شه که می‌گه بیشتر تلاش کن. من مسیحی هستم. به عیسی ایمان دارم. با ایمان نزد عیسی اومدم، اما زندگی‌ام پُر از ناطاعتیه و حالا هیچ امیدیه برای من نیست.

یهودی‌گرایان میان و می‌گن، «حُب، تو باید بیشتر تلاش کنی. باید بیشتر کار کنی، باید بیشتر اطاعت کنی. باید بیشتر دعا کنی. باید صبح‌ها زودتر بیدار بشی و دو ساعت دعا کنی. نه، سه ساعت دعا کن و بعد احساس بهتری خواهی کرد. باید بیشتر به گروه‌های مسیحی که مسئولیت‌پذیر هستند بیایی؛ و چطوره که سه یا چهار بار در هفته این کار رو بکنی؟»

می‌بینید چی می‌گه؟ می‌گه راه اطمینان و آرامش اینه که «با وجود موانع، سخت تلاش کنی.» این انجیل تلاش بیشتره؛ این انجیل نیست. این یه انجیل دیگه‌اس. انجیلی که منجر به یأس و نومیدی می‌شه. حُب، پولس هنوز حرفش تموم نشده، چیزهای

بیشتری هست. این رسول جوون، برای آموزه‌ی عادل‌شمردگی به‌وسیله‌ی ایمان، اشتیاق زیادی داره و حالا در جلسه‌ی بعدی‌مون، اونو در اواخر باب ۳ غلاطیان، در آیاتی که کمی سخت‌تره دنبال می‌کنیم.